

به نام خداوند بخشنده ی مهربان
کودکی بهتر، زندگی بهتر

آفرینش های ادبی اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس برگزار می کند:

پنجمین پویش حکایت خوانی بر اساس گلستان سعدی
«مرغ تسبیح گوی و ما خاموش»
با محوریت «ستایش و قدردانی از پروردگار» در حکایات سعدی

تابستان ۱۴۰۴

کشور پهناور ایران زیستگاه شاعران؛ نویسندگان و صاحب نظران گرانقدری بوده که میراث باقیمانده ادبی از آنها هنوز چشمه‌ای است که وجود تشنگان ادب و معرفت را سیراب می‌کند. از این رو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان متولی حوزه کودک و نوجوان و به عنوان یک دستگاه اثرگذار فرهنگی قدم در مسیری گذاشته تا با پویش های گلستان خوانی تعداد بیشتر از مخاطبین را با این مهم آشنا کند.

با توجه به حجمه های فرهنگی که علیه نسل کودک و نوجوان وجود دارد و تلاش‌هایی که در راستای کم رنگ کردن هویت ملی از سوی بیگانگان با فرهنگ و ادب فارسی در جریان است؛ لزوم توجه به منابع مطالعاتی و استفاده از روش‌هایی که موجب جذب حداکثری کودکان و نوجوانان به خوانش و فهم منابع ادبی کهن می‌شود؛ گامی است که می‌تواند در نگاه کوتاه مدت حظ ادبی و در نگاه بلند مدت جریان ساز فرهنگی ادبی در حوزه کودک و نوجوان باشد.

مخاطبان و گروه سنی شرکت کنندگان:

تمامی دانش آموزان و اعضای نونگاه و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سرتاسر کشور

(۱۰ الی ۱۸ سال)

حکایات برگزیده از باب دوم:

- حکایت ۲۵ با سرآغاز «یاد دارم که شبی در کاروانی....»
- حکایت ۷ با سرآغاز « یاد دارم که در [ایام] طفلی متعبد بودمی....»
- حکایت ۶ با سرآغاز « زاهدی مهمان پادشاهی بود.....»

شرایط ارسال آثار:

- حکایات از نسخه‌ی تصحیح شده‌ی دکتر غلامحسین یوسفی انجام شود. (سه متن فوق از منبع مورد نظر در پایان شیوه نامه پیوست است.)
- خوانش‌ها به صورت صوتی و تصویری قابل قبول هستند.
- **حفظ حکایت اجباری نیست.**
- **حکایت مورد نظر از سه متن ذکر شده انتخاب شود.**
- **حفظ حجاب و پوشش مناسب در ویدئو ها الزامی است.**
- **از به کار بردن هر نوع مقدمه ادبی در ابتدا و پایان خوانش پرهیز شود.**
- **در ابتدای خوانش ها، پس از ذکر نام خدا بایستی نام و نام خانوادگی، سن و استان و شهر توسط گوینده گفته شود.**

- از هر شرکت کننده در این بخش، نهایتاً ۲ اثر پذیرفته خواهد شد.
- آثار به همراه شماره تماس از طریق شماره فضای مجازی ایتا و بله (۰۹۹۶۰۶۲۵۹۶۸) ارسال شود.
- ارسال فرم مشخصات و شماره تماس شرکت کنندگان به همراه کلیپ الزامی است. (در پایان شیوه نامه پیوست است.)
- آثار خارج از شرایط فوق از چرخه ی داوری کنار گذاشته می شود.
- جهت اطلاعات بیشتر عضو کانال گلستان خوانی استان فارس در پیام رسان بله به نشانی زیر شوید.

[ble.ir/join/FDBCKn7kiH](https://eitaa.com/kanoonparvareshefars)

برای دنبال کردن اخبار این پویش و فراخوان های دیگر کانون فارس به کانال ایتای کانون فارس بپیوندید.

<https://eitaa.com/kanoonparvareshefars>

تقویم اجرایی پویش:

- مهلت ارسال آثار: ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۴
- اعلام نتایج: پایان آذر ماه ۱۴۰۴

نشانی دبیرخانه:

شیراز- بلوار استقلال- جنب پارک کودک (قوری)- اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس- آفرینش های ادبی - شماره تماس: ۰۷۱۳۸۳۰۲۴۸۰ داخلی ۲۱۷

شماره فضای مجازی ایتا و بله: (۰۹۹۶۰۶۲۵۹۶۸)

حکایت [۲۵]

یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و بسحر در کنار بیشه ای خفته. شوریده ای [که در آن سفر همراه ما بود] نعره برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد گفتم: این چه حالت بود؟ گفت: بلبلان را شنیدم که بنالش در آمده بودند از درخت و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه؛ اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من [بغفلت خفته].

دوش مرغی به صبح می نالید عقل و صبرم برد و طاقت و هوش
یکی از دوستانِ مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت: باور نداشتم که تورا بانگِ مرغی کند چنین مدهوش
گفتم: این شرطِ آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و ما خاموش!

حکایت [۷]

یاد دارم که در [ایام] طفلی متعبّد بودم و شب خیز و مولع زهد و پرهیز. شبی در خدمت پدر، عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ، نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نیسته و مُضَحَفِ عزیز در کنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: یکی از اینان سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد. [چنان خوابِ غفلت بُرده اند که گویی نخفته اند که مرده اند]. گفت: جانِ پدر تو نیز اگر بخفتی به که در پوستینِ مردم افتی.

نبیند مدّعی جز خویشان را که دارد پردهٔ پندار در پیش
گرت چشمِ خدا بینی ببخشند نبینی هیچ کس، عاجزتر از خویش

حکایت [۶]

زاهدی مهمانِ پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند کم [تر] ازان خورد که ارادتِ او بود و چون به نماز برخاستند بیش ازان کرد که عادتِ او بود تا ظنِّ صلاح در حقِ او زیادت کنند.

ترسم نرسی به کعبه، ای اعرابی کاین ره که تومی روی به ترکستان است
چون به مقامِ خویش بازآمد سفره خواست تا تناولی کند. پسری داشت

Scanned with CamScanner



صاحبِ فراست. گفت: ای پدر، باری به دعوتِ سلطان طعام نخوردی؟ گفت: [در نظرِ ایشان] چیزی نخوردم که بکار آید. [گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که بکار آید].

ای هنرها نهاده بر کفِ دست عیبها برگرفته زیرِ بغل
تا چه خواهی خریدن، ای مغرور، روزِ درماندگی به سیمِ دغل؟

Scanned with CamScanner

- با توجه به اسکن شدن متن از نسخه‌ی اصلی، حکایت به ۲ بخش تقسیم شده است.

فرم مشخصات شرکت کنندگان
پویش ادبی «مرغ تسبیح گوی و ما خاموش»

نام و نام خانوادگی	استان	شهر	سال تولد	مربی راهنما	عنوان اثر	شماره تماس	عضو کانون هشتم	عضو کانون نهم